

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حمید محوی
۱۴ جون ۲۰۱۷

فوق العاده ! فوق العاده !

جمهوری اسلامی ایران تا بیش از ۳۱ میلیارد دالر تروریستها را تأمین مالی کرده است ؟

به قراردادهای شرکتهای هواپیمائی ایران با بوئینگ و ارباس

بگوئیم نه !



سایت اسپوتنیک در ۲ مه ۲۰۱۷ و ۱۰ جون ۲۰۱۷ دو گزارش درباره معاملات شرکتهای هواپیمائی ایران ایر و شرکت هواپیمائی آسمان با هواپیما سازی بوئینگ منتشر کرده است. ابتداء شما را به خواندن این دو گزارش دعوت می کنم. سپس در این نوشته، مطالب این دو مقاله به ویژه در تلاقی با فاجعه ملی در حمله تروریستی مشترک ایالات متحده امریکا، عربستان (داعش) و سازمان مجاهدین خلق ضد ایران علیه ملت ایران مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. جملاتی را که ما در متن گزارشات اسپوتنیک به شکل پر رنگ نمایش داده ایم، مراکز توجهات ما خواهند بود. حجم معاملات ایران با بوئینگ، پیامدهای اجتماعی آن. از دیدگاه این نوشته، قراردادهای امضاء شده با بوئینگ و به همین گونه ارباس بیشتر به پشتیبانی مالی از تروریستها شباهت دارد. بی گمان چنین تعبیری از حقیقت به دور نیست، زیرا و نشان به آن نشان که حتا رهبر عالی مقام [ایران «اسلامی»]، آقای علی خامنه ای نیز داعش را محصول ایالات متحده برای بی ثبات سازی منطقه خاورمیانه تعبیر کرده است. و به اندازه کافی می دانیم که نیروهای ویژه کشورهای عضو ناتو تا چه اندازه در آموزش نظامی، تأمین مالی و تجهیز اسلامگرایان، با پشتیبانی وسیع دیپلماتیک و رسانه های همگانی در اروپا و امریکا، دخالت داشته اند.

گزارش ۲ مه ۲۰۱۷ :

شرکت بوئینگ در زمینه فروش ۸۰ فروند هواپیما به ایران ایر پیشرفت هائی داشته و نخستین فروند آن در سال آینده به ایران تحویل داده می شود و این نخستین صادرات هواپیما از امریکا به ایران پس از انقلاب اسلامی خواهد بود. به

هر دو به ۲۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار می رسد. حال اگر قرارداد خرید ارباس از اروپا را نیز حساب کنید، باید ۱۹ میلیارد دیگر به مبلغ بالا اضافه کنیم. اگر حسابم درست باشد، حاصل جمع خریدهای ایران از کشورهای ناتو (پشتیبانان اصلی داعش و اسلامگرایان) به ۳۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار افزایش می یابد. بی گمان به این حجم از معاملات بازرگانی باید مخارج جانبی دیگری را نیز اضافه کنیم که متأسفانه محاسبه این بخش از مخارج از دایره اطلاعاتی ما خارج است.

۲ : **گنجشک به جای قناری** : به نظر می رسد که این معاملات در زمینه خرید تولیدات بونینگ از سوی ایران را باید به زبان آنگلساکسونها و مقامات ایران «اسلامی» به مثابه رفع تحریم از ایران یا بخشی از آن درک کنیم، و گوئی به زبان «چماق و هویج» این داد و ستد را می باید به مثابه هویج برای ایران تلقی کنیم. در حالی که با توجه به اولویتهای اجتماعی ایران این حجم معامله برای تسریع و تشویق مسافرتهای هوایی، چیزی نیست به جز خوار شمردن ملت ایران. سرعت یعنی قدرت و ثروت، در نتیجه این معاملات برای خرید هواپیما تنها طبقه مرفه و راهیان حج عمره را خشنود کند، آن هم طبقه مرفهی که نه تنها چیزی تولید نمی کند بلکه فقط با بی اعتنائی به اکثریت فقیر ایران، وارث نفت و گاز خامی ست که به رایگان و به مقدار محدود در طبیعت وجود دارد، و تنها کاری که انجام می دهد این است که کاربر تولیدات کشورهای سازنده غربی و حداکثر اگر مسوولیت و فن آوری مکانیک در سطح عوض کردن چرخهای هواپیما را به عهده بگیرد، جای امیدواری خواهد داشت. در حالی که خطوط راه آهن ایران، برای مثال خط آهن تهران-همدان-سنندج هنوز پس از هزار و یک سال نوری به فرجام خود نرسیده و اغلب خطوط راه آهن ایران نیز تک خطی ست و یکی از تصادفات اخیر راه آهن نیز بی ارتباط با این موضوع نبود. با ۳۱ میلیارد دلار این امکان وجود می داشت که در راه آهن ایران برای کاربران بیشتر و با سرعت کمتر و به نفع انسجام بیشتر کشور، بی هیچ وابستگی تکنولوژیک به ایالات متحده یا اروپا، انقلاب ایجاد کنند.

۳۱ میلیارد دلار یعنی خیلی چیزها برای ایرانیان. ۳۱ میلیارد دلار یعنی دست کم ۱۲۰۰۰۰ خانه اجتماعی برای ۱۲۰۰۰۰ خانواده شهری و روستائی ایران. ۳۱ میلیارد دلار باز هم یعنی تقریباً دو برابر قیمت ستون فقرات نوین ارتش نیروی هوائی اسرائیل با ۷۴ یا ۷۲ اف ۳۵. ارتش نیروی هوائی ایران می توانست با ۳۱ میلیارد دلار، بیش از ۳۰۰ سوخوی تی ۵۰ از روسیه خریداری و فوراً با یک فرصت ۴۸ ساعته ناتو را که خلیج فارس و افغانستان را به شکل غیر قانونی و جنایتکارانه با همکاری داعش و طالبان و القاعده اشغال کرده اند، اخراج کند... البته شاید اندکی اغراق آمیز به نظر رسد زیرا ۳۰۰ سوخوی تی ۵۰ شاید برای مقابله با غول صنعتی امریکا اندکی کم بیاورد، ولی تقریباً می توانیم ۳۱ میلیارد دلار را در همین راستا تأویل کنیم.

همان گونه که در گزارش ۲ مه می بینیم، نگرانی امریکائی ها از بابت «موقعیت شغلی در بخش تولید» است و چنین معاملاتی از جمله با ایران که البته قابل مقایسه با خریدهای عربستان سعودی نیست، می تواند اقتصاد امریکا را تسکین ببخشد. با یادآوری این موضوع که گویا پیش از این بازرگانان ایرانی اتومبیل سازی کرایسلر را نیز از ورشکستگی نجات داده اند. در حالی که برخی دهقانان ایرانی گندمهایشان را هنوز با داس درو می کنند. با آگاهی به این امر که تولید یک کیلو گرم گندم گاهی می تواند معادل یک اسکادران هواپیمای جنگی ارزش ستراتیژیک داشته باشد. البته خیلی خوب است که امریکائی ها با ۴ یا ۵ میلیون کارتن خواب که تا پیش از کلاهبرداری بانکی سال ۲۰۰۸ صاحب خانه بودند (...) به علاوه بی خانمان شده های گردباد کاترینا، از بیکاری نجات پیدا کنند، ولی در ایران ده ها لشکر میلیونی تحصیل کرده و یا دیپلمه بیکار وجود دارد که فقط می توانند نه در راه خدا بلکه در راه الله و برای انسجام جامعه اسلامی و ایران اسلامی در سلاخ خانه های جهان صنعت مرگ، زیر آتش سلاح های بنجل شرقی و غربی بمیرند.

کلاهبرداری اسلامی و آنگلو ساکسون اینجاست. پرسش این است که سهم نیروهای مولد ایران از این ۳۱ میلیارد دلار کدام است؟ در هر صورت باید حتماً مسلمان باشیم تا باور کنیم که شرکت بوئینگ نگران نیروهای مولد ایران نیز بوده است.

۳ : **تأمین مالی تروریستها:** آیا ایرانیان می توانند بپذیرند که این حجم عظیم از سرمایه هایشان به تأمین مالی تروریستهای اختصاص یابد که به ایران حمله کرده اند و هموطنانشان را به رایگان به قتل رسانده اند؟ آیا با توجه به چنین رویدادی که روز ۷ جون ۲۰۱۷ در ایران رویداد، آیا می توانند بپذیرند که این آدمکشها با سرمایه های قربانیان از ورشکستگی نجات یابند؟

در اینجا از طرح مسائل جزئی که همه می دانیم، مثل همزمانی سفر ترمپ به عربستان و قرارداد فروش اسلحه در سطح صد ها میلیارد دلار بین امریکا و آل سعود، و تهدیدهای عربستان علیه ایران و یا جزئیاتی مانند مشارکت سازمان مجاهدین خلق در حمله تروریستی به ملت ایران که دائماً در حومه پاریس با مقامات عالی رتبه امریکائی و اروپائی گردهمائی تشکیل می دهند و از سوی پنتاگون و ریاض تأمین مالی می شوند... در این نوشته صرف نظر می کنیم. ولی باید یادآوری کنیم که این حمله تروریستی تازگی ندارد، و به ۷ جون ۲۰۱۷ محدود نمی شود. روی خطوط مرزی ایران سالانه بیش از ۳۰۰۰ سرباز و مرزبان ایرانی به دست همین تروریستها کشته می شوند. آگاهی به این امر که می توانیم ستراتیژی ایدئولوژیک دین سالار اسلامی در ایران را مقصر اصلی در این تلفات عظیم و غیرقابل قبول برای یک کشور متمدن بدانیم، زیرا این مرزبانان از جان گذشته با مقدماتی ترین و ناچیز ترین امکانات به مأموریت های روزمره برای کنترل و دیدبانی مرزهای ایران گسیل می شوند، و این کارگران ایرانی نیستند که برای منافع سرمایه داران «ایران اسلامی» تلفات می دهند. و ما باید خشنود باشیم که شهید داده ایم، از امام رضا(ع) مالیات نمی گیریم و با ارباب و بوئینگ ۷۳۷ به حج عمره می رویم، برای مجازات توهین به مقدسات و مقامات مذهبی و کشوری ضامن اجرایی داریم و در میدان عمومی کارگران ایرانی را برای اعتراض به وضعیت معیشتی شان شلاق می زنیم. ولی پسر حاج آقا بهشتی زاده با اتومبیل کرایسler پشت راه بندان های طولانی سیگار را با دود گازوئیل می بلعد. می گویند مخلوط ترفند پرومته بوده است! ولی دوران این خدایان به سر آمده و ترفندهایشان نیز دیگر کارائی گذشته را از دست داده است.

داستان واقعه کاملاً روشن است، ده ها مقاله و کتاب در مورد مداخلات امپریالیسم امریکا و شگردهای این کشور نوشته و منتشر کرده ایم، میشل شوسودوسکی، ژان میشل ورنوشه، تی بری میسان، میشل کولن، فرانسوا ژره، آندره شامی و بسیاری دیگر از تحلیل گران درباره این واقعیت نوشته اند که ایالات متحده مخترع طالبان و القاعده و داعش بوده است. تقریباً کمتر از یک هفته پیش از حمله تروریستی به ایران، اسپوتنیک گزارشی درباره مشاهدات مقامات نظامی روسیه در افغانستان منتشر کرده بود: مقامات روسی تعدادی هواپیمای بی نام و نشان را رهگیری کرده بودند که در حال پرتاب محموله هائی در منطقه تحت کنترل داعش بوده اند. این موضوع را به نیروهای ناتو در افغانستان اطلاع می دهند، ولی امریکائی ها از وجود چنین هواپیماهائی اظهار بی اطلاعی می کنند. البته برای نخستین بار نیست که ناتو به رهبری ایالات متحده برای جهاد طلبان با چتر اسلحه و مهمات پرتاب می کند.

در واقع به اعتبار تحلیلگرانی که در بالا نامشان را یادآور شدم، حملات تروریستی به ایران، آشوب روی مرزهای ایران، قتل متخصصین ایرانی (در تخریب و تسخیر کشور عراق، اولین کاری که انجام دادند این بود که بیش از ۵۰۰ متخصص علمی درجه یک عراق را به قتل رساندند)، تحریم و تهدیدها، تا تهدید به کشتار جمعی ایرانیان با بمب هسته ئی، تخریب زیربناها با استفاده از بمبهای اتمی تاکتیک، تخریب دانشگاه های معتبر تا کودکستان و شیرخوارگاه، به گلوله بستن مردم عادی تا قتل ندا آقا سلطان که احتمالاً در پاریس طرح ریزی شده بود، همه این تاکتیکهای جنایتکارانه

به مقدمات طرح جنگ ایالات متحده و ناتو علیه ایران تعلق دارد. در اینجا توضیح بیشتری را ضروری نمی بینم، ولی باید بررسی کنیم که با این حساب چگونه ممکن است که شرکت‌های هواپیمایی ایران قراردادهایی به حجم بیش از ۳۱ میلیارد دلار با یک شرکت هواپیماسازی امریکائی و اروپائی به امضاء می رسانند؟

شما می توانید در چشم انداز چنین تهدیداتی، این حجم از مبادلات بازرگانی ایران با تروریست‌های غربی را با حجم معاملات اخیر برای خرید اسلحه از روسیه مقایسه کنید که حدود ۸ میلیارد دلار بوده است. این موضوع وقتی اهمیت خود را به ما نشان می دهد که می بینیم مرزبانان ایرانی تا حدود قابل توجهی از یکسو قربانی نبود امکانات و از سوی دیگر قربانی ستراتیژی بی اعتبار و ایدئولوژیک می شوند (یعنی ستراتیژی قربانی انسانی و شهادت).

این وضعیت اسفبار وخامت خود را وقتی بیش از همه آشکار می کند که می بینیم، در راستای همان ستراتیژی غلط و تمدن ستیز، و به بهای تضعیف امنیت واقعاً ملی، نیروهای ستراتیژیک نظامی مثل سپاه پاسداران ۲۵٪ از هزینه ساخت ده ها هزار مسجد جدید را به عهده گرفته است (چون که با آمارگیری های جدید، پی برده بودند که ۷۰۰۰۰ مسجد موجود در ایران به نیازهای عمومی مردم پاسخ نمی گوید و باید مساجد بیشتری بسازند).

سوء استفاده رسانه های دستگاه دین اسلام از حمله تروریستی به ایران

در یک ویدئوی منتشر شده در یوتوب (<https://www.youtube.com/watch?v=G-WNFCL6bbs>) گوینده گزارش از عملیات اطلاعاتی نیروهای امنیتی ایران برای کشف و دستگیری گروه های تروریستی، از «همکاری خانواده های علاقه مند به ایران اسلامی» یاد می کند. لازم به یادآوری است که به طور کلی در رسانه های وابسته به دستگاه دین اسلام در ایران پافشاری شگرفتی وجود دارد که فضای گفتمان خودشان را با نمادها، زبان و فرهنگ اسلامی تزئین کنند و به کار بستن «ایران اسلامی» یکی از این واژگان ایدئولوژیک است.

در حالی که معمولاً هدف از عملیات تروریستی ایجاد وحشت در یک نقطه محدود با بازتاب در ابعاد همه گیر است، ولی رسانه های جمهوری اسلامی ایران، سعی دارند آن را به حساب «ایران اسلامی» بگذارند. در حالی که مردم جان خودشان را در خطر می بینند، و چیزی که به خطر افتاده جان مردم است، با وجود این می بینیم که در اینجا نیز امنیت عمومی باید به بهای «ایران اسلامی» کنار زده شود. به بیان دیگر، در اینجا نیز می بینیم که دستگاه دین اسلام حتا در بحران تروریستی، بر آن است تا احساسات و واکنش مردم را مثل هر مورد دیگری، با تازیانه و قدرت زبان به بند ماتریکس اسلامی بکشد، تعیین تکلیف کند، هدایت کند و به این معنا که مردم برای نگرانی از «ایران اسلامی» با مأموران همکاری کرده اند و نه برای حفاظت از جان خودشان که مطمئناً از دیدگاه ایدئولوژی اسلامی در مقایسه با اسلام فاقد ارزش است.

«همکاری خانواده های علاقه مند به ایران اسلامی» معنای دیگری نیز دارد، و آن هم این است که خانواده هایی که علاقه مند به «ایران اسلامی» نیستند با مأموران امنیتی همکاری نکرده اند، و این خانواده هایی که به «ایران اسلامی» علاقه مند نیستند حتماً با تروریستها همکاری می کنند.

خیلی با دقت و با حوصله باید به بررسی این موضوع بپردازیم، ژان لوک ملانشون کاندیدای ناکام جبهه چپ ریاست جمهوری سال ۲۰۱۷، تروتسکیست، یکی از موضوعات قابل تأملی که مطرح کرده، این واقعیت است که «پولیس اصلی مردم هستند» «این مردم هستند که نظم را برقرار می کنند». در نتیجه باید از خودمان بررسی کنیم که چرا مردم به چنین کاری می پردازند؟ روشن است که مردم فقط در نظم و رعایت قانون خردمندانه و امنیت است که می توانند به

زندگی روزمره خودشان ادامه دهند. ولی می بینیم که دستگاه های تبلیغاتی اسلام در ایران، موضوع امنیت عمومی را به «ایران اسلامی» تنزل می دهد.

این تمایل رسانه های دستگاه دین اسلام در عصر حاضر را باید با نخستین روزهای حمله ارتش اسلام به ایران مقایسه و آن را با خواندن تاریخ اسلام در ایران به شکل ترکیبی درک کنیم. به این معنا که ایران حتماً باید زیر سلطه اسلام باشد، و بی اسلام، بی ایران. بر اساس تصمیم یک عده مسلمان مؤمن که از فرامین و خواست الهی مطلع هستند، یگانه شکل و ترکیب ممکن برای ایران در ابعاد ابدی ازلی «ایران اسلامی» ست و هر گونه قیام از نوع قیام بابک تا امروز سرکوب خواهد شد. مردم ایران باید حتماً به دین اسلام بگردند و یا این که سرشان بریده خواهد شد. در حمله تروریستی اخیر، اسپوتنیک سایت روسی بخش فارسی، گزارشی از یک بیانیه داعش منتشر کرده بود: داعشی ها ایرانیان را به اسلام خودشان دعوت کرده بودند، و تهدید کرده اند که در غیر این صورت کافران را از بین خواهند برد. اسلام اولیه نیز دقیقاً به همین شکل وارد ایران شد. در واقع از دیدگاه عقیدتی بین اسلام داعش و اسلام نزد جمهوری اسلامی تفاوت چندانی وجود ندارد، زیرا بر اساس قانون اساسی ایران، مسلمان فطری و ملی هر دو در صورتی که از دین برگردند، حکم ارتداد شامل حالشان خواهد شد. یعنی مسلمانی که از دین برگردد حکمش مرگ است.

حمله اسلام به ایران به هدف غارت و تسلط بر ایران صورت گرفت. من فکر می کنم که این غارت اولیه را باید در مفهوم گسترده تری درک کنیم. یعنی حتا به مفهوم غارت یک رویداد. در حمله تروریستی ایالات متحده به ایران در روز ۷ جون ۲۰۱۷، می بینیم که دستگاه تبلیغاتی اسلام در ایران، فوراً این رویداد را به صرف نمادینه بودن اهدافی که پیاده نظام ناتو مشخص کرده بود، به نام «ایران اسلامی» و واکنش مردم ایران را نیز به شکل واکنش فرمایشی به حساب خودش به ثبت رساند، این حرکت دقیقاً مترادف غارت است. زیرا می توانیم یک رویداد را نیز غارت کنیم. در حالی که این حمله تروریستی اگر به هر کجای دیگر ایران اصابت می کرد، برای مردم تفاوتی نداشت.

در هر دو صورت مردم خودشان را در خطر می دیدند. ولی خودخواهی، یکه تازی و ظلم اسلام علیه مردم ایران در همینجا آشکار می شود که سخنگویانش اعلام می کنند که «همکاری خانواده های علاقه مند به ایران اسلامی» و نه همکاری مردم ایران یا خانواده های علاقه مند به امنیت عمومی در ایران. به تأویل حاکمیت اسلام در ایران، تنها همکاری کسانی که برای «ایران اسلامی» اظهار نگرانی می کنند قابل ذکر است، بقیه تروریست هستند.

تشنه لبان بوئینگ ۷۳۷، با هزار منت و خواهش و تمنا در مقابل بی میلی فروشنده (جانی البغدای پنتاگونی)، بیش از ۳۱ میلیارد دالر سرمایه این مملکت را برده اند گذاشته اند کف دست تروریستها، ولی خانواده های ایرانی را با ترفند زبان و هزار تهدید قانونی با حکم ارتداد همکار «ایران اسلامی» معرفی می کنند. گوئی به «ایران اسلامی» حمله شده! ولی مردم ایران که نگران امنیت خودشان هستند... پس اینها همکاران تروریستها هستند؟ یک مسلمان اینجا به من که اهل دوزخ زمینی ام جواب بدهد، اینجا کی طرفدار تروریستهاست؟ آنانی که نگران امنیتشان هستند و یا آنانی که از ذوق هویج بوئینگ افتاده اند روی پای امریکائی ها و به تروریست ها باج می دهند که سریعتر بروند به حج عمره که همین تروریستها اداره اش می کنند و به آنها اجازه می دهند که هفت بار دور کعبه طواف بدهند و در رمز و راز سرّ خلقت بیندیشند و پی ببرند که ایران باید اسلامی باشد؟ همینطوری سر چهل هزار نفر را در استخر بریدند... چه آغوش بازی برای اسلام؟ تو بیا کز اول شب در صبح باز باشد.

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۳ جون ۲۰۱۷